

پایتخت گنجایش این همه ماشین را ندارد

## هوای تهران و کثرت فوق‌العاده اتومبیل



شهر تهران دارای آب و هوای متغیر و ناسالمی است و کمتر شهری را در ایران می‌توان یافت که اختلاف درجه حرارت آن در تابستان و زمستان ۴۵ درجه سانتیگراد باشد و باعث شده تا سلامت ساکنان آن همواره در یک حالت نبود تعادل باشد.فراوانی

ماشین‌های گوناگون متحرک و ثابت که با مصرف نفت و بنزین خود اکسیژن هوا را گرفته و به گاز کربنیک تبدیل می‌نمایند بر مسأله بدمی آب و هوا افزوده است. عامل دیگر در این مورد وجود کارخانه‌های گوناگون مخصوصاً کارخانه‌های آجرسازی در جنوب شهر است که همه روزه به میزان زیادی هوای شهر را مسموم می‌نمایند. گذشته از توسعه و افزایش کارخانه‌ها و اتومبیل‌ها اکنون تهران مدت‌هاست که باغ‌ها و کشتزارهای خود را از دست داده و تبدیل به ساختمان می‌نمایند. از میان رفتن درختان که به منزله ریه شهر بوده و با تولید اکسیژن تازه می‌تواند هوا را تلطیف نماید خود عامل دیگری در ناسالم ساختن آب و هوای تهران به شمار می رود. هسال پیش یک هیأت علمی سوئیسی که در پیرامون مسأله آب و هوای شهرهای آسیایی بررسی می‌نمود بر اثر آزمایش‌های خود آشکار ساخت که اکسیژن موجود در هوای تهران از مقدار اکسیژن تمام شهرهای ایران حتی آبادان به میزان قابل توجهی کمتر است. طبیعی است که از پنج سال پیش تاکنون بر تعداد کارخانه‌ها و وسائط نقلیه موتوری و نفوس تهران افزوده شده و از سوی دیگر مقدار زیادی از باغ‌ها و کشتزارها از میان رفته و تبدیل به ساختمان شده است. تهران دارای تاریخی کهنسال است و ظاهراً دیگر در حدود یک هزار سال از عمر آن می‌گذرد ولی آغاز روتق و اهمیت آن را تنها می‌توان از دویست سال پیش و اواخر سلطنت دودمان صفو به دانست.

یاقوت[حموی] جهانگرد و جغرافیدان قرن ۱۲ میلادی از تهران نامی برده می‌نویسد: منطقه بی‌اهمیتی است که آب و هوای ناسازگار داشته و جمعیت محدود آن بیشتر در دالان‌های زیرزمینی به سر می‌برند.

■ کثرت فوق‌العاده اتومبیل در تهران

کثرت فوق‌العاده اتومبیل در تهران باعث شده تا وزارت فرهنگ و شهربانی از مردم درخواست کنند تا مراقب جان اطفال بخصوص محصلین در خیابان‌ها باشند. رئیس شهربانی گفت: محصلین هر روز چهار بار به مدرسه می‌روند و جان آنها به هنگام عبور از خیابان‌ها با کثرت زیاد اتومبیل در خطر است. مردم باید به فرزندان خود مقررات را آموزش دهند تا خطری جان آنها را تهدید نکند. وی گفت خیابان‌های تهران گنجایش این همه ماشین را ندارد و هر هفته ۱۵۰ اتومبیل به آنها اضافه می‌شود.

روزنامه اطلاعات- چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۳۳۶

ماجرای تصادف غلامحسین بنان به روایت او

## چگونه چشم‌را از دست دادم



غلامحسین بنان ستاره درخشان آواز ایران، روز ۲۷ دی سال ۱۳۳۶ در یک حادثه رانندگی چشم راست خود را از دست داد. ■ جریان واقعه

«آن روز جمعه بود و

من با عده‌ای از نزدیکان به طرف منزل کم که در جاده کرج است می‌رفتیم. رفقا و همراهان گفتند که در جاده کرج رستوران خوبی هست که کباب بسیار عالی دارد خوب است آنجا برویم و کباب بخوریم. در آن هنگام باران سختی می‌بارید و من به زحمت می‌توانستم جلوم را ببینم. نزدیک کاروانسرا سنگی، ناگهان متوجه شدم که یک تانکر نفت جلوی من ایستاده است. این تانکر چراغ قرمز عقب نداشت و طوری هم اطراف آن از گل پر بود که با زمین و ناهمواری‌های آن فرقی نداشت. من به محض دیدن تانکر فرمان را به طرف چپ برگرداندم تا از آن رد شوم ولی در همین موقع دیدم اتومبیلی از سمت جلو به طرف من می‌آید. تصادف ما حتمی بود. از این رو فکر کردم اگر با این اتومبیل که با سرعت از جلو می‌آید تصادف کنیم، همه خواهیم مرد لذا دوباره فرمان را بطرف تانکر برگرداندم و چون تانکر ایستاده بود فکر کردم صدمه آن کمتر از اتومبیل جلویی که در حرکت است خواهد بود.

■ بیهوش شدم

من دیگر از بقیه جریان اطلاعی ندا‌رم زیرا بلافاصله بیهوش شدم و این بیهوشی نیز بعلت شدت تصادف یا ضربه نبود، بلکه شیشه جلوی ماشین شکست و همین خرده شیشه‌ها باعث شد که چشم و سمت راست صورت من متلاشی شود.

گویا پس از بیهوشی، رفقا مرا از ماشین بیرون آورده و کنار جاده گذاشتند و در همین موقع بود که مأموران ژاندارمری رسیدند و مرا به بیمارستان پهلوی که نزدیک بود رساندند.

■ پس‌رم بیژن

پس از اینکه بهوش آمدم، اولین چیزی که به‌خاطرم رسید و در نظرم مجسم شد قیافه پسرم بیژن بود. آن شب بیژن پسر ۹ ساله‌ام نیز همراه ما بود. هیچ خبری از او نداشتم و نمی‌دانستم که چه پر سر او آمده است. در آن لحظات بی‌خبری، تنها آرزوی من این بود که پسرم را ببینم یا لااقل از حال او مطلع شوم... به من گفتند که چشم راست تو آسیب دیده است، ولی من دلم می‌خواست، چشم دیگرم را هم از من بگیرند ولی بیژن را سالم نزد من بیاورند و من بتوانم با دست‌هایم، صورت و بدن او را لمس کنم. خوشبختانه این لحظات بی‌خبری که با تأثر و نگرانی بسیار شدیدی توأم بود چندنان به‌طول نیاتجامید و برآیم خبر آوردند که حال بیژن خوب است.»

مجله تهران مصور - جمعه ۱۸ بهمن ۱۳۳۶

### روز شمار

گردآوری:محمدگرشاسبی

**۹ مهر**

ایران و هند سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر به سفارت کبرا ارتقا دادند.

**۱۷ مهر**

سفارت امریکا در تهران از وزارت خارجه ایران درخواست کرد ۴ حلقه قلمی را که سفارت امریکا از یکی از کارخانه‌های ارتش ایران تهیه کرده و در ۲۰ شهریور ۱۳۳۶ از سوی مأموران رکن دوم ارتش جمع‌آوری شده بود، از توقیف خارج و آن را به سفارت مسترد دارند. ستاد ارتش، این درخواست را رد کرد.

**۲۰ مهر**

پنج نفر لیمونادساز به اتهام تهیه پبسی کولای تقلبی دستگیر شدند.

**۱۵ مهر**

مانور دریایی ایران و امریکا در آب‌های خلیج فارس آغاز شد.

**۸ آبان**

مراسم هفتمصدين سال تولد مولانا در املی نتاتر دانشکده حقوق جشن گرفته شد.



**۱۴ آبان**

نلسون راکفلر سرمایه دار مشهور امریکایی وارد تهران شد و در کاخ مرمر با شاه ملاقات کرد.

**۲۲ آبان**

وزارت امور خارجه انگلیس اعلام کرد انگلیس برای حفظ استقلال بحرین از ایران اقدام خواهد کرد و سعی می‌کند عقیده خود را به ایران بشناساند.

**۲۲ آذر**

زلزله شدیدی نواحی غربی ایران را لرزاند. این حادثه شهرهای کرمانشاه، همدان، کردستان، نهاوند، اراک، رشت و چند شهر دیگر را لرزاند و ۱۰۶۲ نفر تلفات داشت.

**۲۱ دی**

ساواک در گزارشی نوشت حزب مردم جانبدار جدی سیاست انگلستان است و می‌خواهد سیاست انگلیس را در ایران به شکل حزبی اجرا کند.

**۲۳ بهمن**

محمدرضا پهلوی هشدار داد دو حزب ملیون و مردم حق ندارند در سیاست خارجی، امنیت داخلی و تمامیت ارضی با هم اختلاف داشته باشند.



**۲۳ اسفند**

اعلامیه دربار مینی بر تصمیم شاه و ثریا برای جدایی از یکدیگر انتشار یافت.

**۲۹ اسفند**

خط لوله نفت آبادان - تهران افتتاح شد.

**۲۸ اسفند**

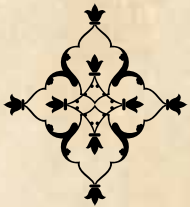
غلامرضا تختی قهرمان ۲۵ ساله کشتی جهان، برای دومین بار عنوان پهلوانی گرفت.



**۱۰ اسفند**

سرلشگر محمد ولی‌الله قرنی ستاد مشترک ارتش و رئیس اداره دوم، به اتهام سوءاستفاده از اختیارات و مداخله در امور کشوری توسط مأموران دادستانی بازداشت شد.

نیمه دوم  
۱۳۳۶



■ صفحه ۱۴ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۴۳۱ ■ دوشنبه ■ ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ ■ ۱۱ محرم ۱۴۴۲ ■ ایران قرن شصت و چهار

### قصه بحرین و اعلام آن در تقسیمات کشوری

# استان چهاردهم

**لیلا ابراهیمیان/** بیستم آبان‌ماه ۱۳۳۶؛ کاخ مرمر؛ لایحه تقسیمات کشوری بحرین و جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، در جلسه هیأت دولت که با حضور محمدرضاشاه پهلوی بر گزار می‌شود، ایران را به چهارده استان تقسیم می‌کند: تهران، آذربایجان، خراسان، فارس، خوزستان، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، مازندران، گیلان، بلوچستان و سیستان، لرستان، کردستان و استان چهاردهم که رسماً به ایران ملحق شد: بحرین.

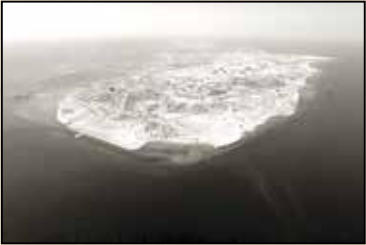
تبریک‌ها در حمایت از دولت ارسال شده و در نقاط مختلف کشور چندین مدرسه و خیابان نام «بحرین» می‌گیرند. سه‌روز بعد «جان‌راسل»، کاردار سفارت انگلیس در تهران نزد دکتر عباسقلی اردلان، وزیر امور خارجه وقت ایران می‌رود و نسبت به این تصمیم اعتراض می‌کند و بحرین را تحت‌الحمایه انگلیس می‌خواند. همچنین وزارت امور خارجه انگلیس اعلام می‌کند آنها برای حفظ استقلال بحرین از ایران، اقدام خواهند کرد و سعی می‌کنند عقیده خود را به ایران بشناسند.

داستان اختلاف ایران -انگلیس برسر بحرین، داستان کهنه است؛ حدود ۹ سال از کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ می‌گذشت و یک‌سال بعد از شروع

### بریده‌جریده

تهیه و تنظیم:حسن مجیدی

### بزرگ‌ترین پایگاه نفت خاورمیانه در جزیره خارک ایجاد می‌شود



یک کنسرسیوم در جزیره خارک که در ۴۶ کیلومتری غرب بندر بوشهر واقع شده، بزرگ‌ترین پایگاه صدور نفت را در خاورمیانه تأسیس می‌کند.

در این پایگاه عظیم نفت، آخرین وسایل بارگیری نفت وانبهار و جایگاه‌ها و ذخایر ساخته می‌شود.

برای ساختمان این پایگاه عظیم سی‌میلیون دلار خرج خواهد شد و در هر شبانه روز ۳۰ کشتی بزرگ نفتکش می‌تواند مواد خام بارگیری کند.در سواحل خارک عمق آب بین ۳۰ تا ۷۰ متر است و پناهگاه‌های طبیعی آن در سراسر خلیج فارس بی‌نظیر است.

مواد خام نفتی پایگاه خارک از گجساران به ساحل خلیج فارس و از آنجا به وسیله یک لوله زیر دریایی به جزیره



### گلهایژمرد

## درگذشت ابوالحسن صبا



ابوالحسن صبا دیشب پس از یک بیماری کوتاه به رحمت ایزدی پیوست و خبر فوت او عموم ایرانیان را متأسف و متأثر ساخت.صبا تقریباًتمام دوران عمر خود را وقف خدمت به موسیقی ایران کرد و هم او بود که ردیف‌های موسیقی ایرانی را به نت درآورد و از این راه خدمت بزرگی به این

ودیهه تاریخی نمود.صبا در تکمیل هنر خود رنج فراوان برد و آنقدر زحمت کشید تا در نواختن ویلن اویولن ابی نظیر شد. مرحوم صبا از شاگردان استاد علیقنی وزیری بود ولی بعدها یعنی وقتی خود به استاد رسید، به تربیت شاگردان پرداخت و هم اکنون بسیاری از هنرمندان مشهور موسیقی ایرانی و آهنگسازان با ذوق افتخار دارند شاگرد صبا بوده‌اند. کوشش شبانه‌روزی صبا در راه تکمیل هنر خود و تربیت شاگردانش او را بیش از آنچه انتظار می‌رفت فرسوده ساخته بود، به‌طوری که در روزهای اخیر بازحمت بسیار در اداره رادیو حضور می‌یافت و در تنظیم برنامه گل‌ها شرکت می‌کرد و با ناراحتی به انجمن موسیقی ملی می‌رفت و کلاس درس را اداره می‌نمود.معهدا هیچ کس گمان نمی‌کرد صبا در ۵۷سالگی به‌طور ناگهانی قالب تهی کند و جامعه موسیقی ایرانی را از یک استاد عاقلقدر محروم سازد.

روزنامه اطلاعات- شنبه ۳۰ آذر ۱۳۳۶

تلویزیون ایران

به منظور تشویق جوانان و صاحبان علم و ادب، برنامه مخصوصی برای گفتارهای ادبی، علمی و هنری خواهد داشت. گوینده می‌تواند شخصاً گفتار خود را بخواند. برای اطلاعات بیشتر به دفتر تلویزیون ایران واقع در خیابان صنیع الدوله یا به تلفن ۶۹۵۹۹ مراجعه فرماید.



محمدرضاشاه در بیست‌وچهارم دی‌ماه ۱۳۳۸ در جمع کارکنان وزارت امور خارجه از تسلط ۱۵۰ ساله انگلستان بر بحرین می‌گوید: «انگلیس این جزیره را به ایران پس نخواهد داد و من نمی‌توانم چون دن‌کیشوت رفتار کنم.» بالاخره حاکمیت ایران در تنب بزرگ و کوچک در سی‌ام نوامبر ۱۹۷۱ (آذرماه ۱۳۵۰) به طور مطلق و مؤثر و بدون هیچ نوع شرط و شروط اعاده می‌شود. قبل از آن بیست‌وسوم مرداماه ۱۳۵۰، بحرین استان چهاردهم از ایران جدا شده بود و این قصه تلخ جزیره است.

عمل نمی‌آورند که حقوق حقه ایران محفوظ بماند.» اردلان در سخنانی در جلسات ۱۳۹ام مجلس نوزدهم شورای ملی در روز یکشنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۳۶ از موضع‌گیری انگلیسی‌ها ایراز تأسف کرده و در سخنانش به اسنادی تاریخی از حاکمیت ایران بر بحرین اشاره کرد. همان روز مجلسی‌ها دو کرسی به نمایندگان بحرین می‌دهند، به استان چهاردهم ایران.

اما بار دیگر این قصه به‌ه خوان آخر نمی‌رسد تا سیزده سال دیگر؛ این بار در مجلس بیست و دوم همان «پاره تن» از وطن جدا می‌شود.

پایان دوست محمد بلوچ

### دادشاه و برادرش کشته شدند



دوست محمد بلوچ (دادشاه) یکی از سران عشایر سفیدکوه واقع در مکران بلوچستان، کشاورز و دامداری که بین سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۶ علیه خواین محلی و حکومت مرکزی

سر به طغیان گذاشت، روز بیست ویکم دی سال ۱۳۳۶ پس از درگیری شدید با نیزوهای دولتی، به‌همراه برادرش کشته‌شد. «شب بیست‌ویکم دی مأموران ژاندارمری به سرپرستی سروان خداداد ریگی در ۱۷۰ کیلومتری جنوب غربی ایرانشهر در قریه آبگاه در ۱۲ فرسنگی هيجان با دادشاه و همدستانش مصادف شدند. مأموران پس از ۱۰ ماه ییابانگردی هنگام بر خورد با دادشاه سر از پا نشناخته دسته جمعی هجوم بردند.پس از یک زد و خورد بی‌سابقه که با منتهای از خودگذشتگی تـروأم بود با از دست دادن هشت نفر از بهترین ژاندارم‌های بلوچ، دادشاه و برادرش محم‌دشاه کشته و بقیه همدستان آنها دستگیر شدند.»

■ گزارش ژاندارمری کل

طبق اطلاع و رسیده از سرپرست مأموران تعقیب اشرار در بلوچستان در تاریخ ۲۱/۱۰/۱۳۳۶ دسته‌ای از مأموران که تحت سرپرستی سروان خداداد ریگی بودند در پشت کوه با اشرار تصادف در نتیجه چند ساعت زدوخورد، دادشاه و برادرش مقتول و اجساد و اسلحه آنها به‌دست آمده‌است.در این زد و خورد چند نفر از مأموران تعقیب نیز کشته شده‌اند.

روزنامه کوشش - چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۳۶